

سام پژوهش ملی ایران

استقرار حاکمیت ملی هدف جبهه ملی ایران است

شماره
۱۸۳

نشریه داخلی تهران چهارم اردیبهشت ماه ۱۳۹۰ خورشیدی شماره ۱۸۳

به نام خداوند جان و خرد

قیام آزادیخواهانه ضد دیکتاتوری ملت سوریه

عربی نو پارا که از اتحاد مصر و سوریه و به همت «جمال عبدالناصر» تشکیل یافته بود از هم گسیخت. حافظ اسد از یک سو خود را در صفحه نخست مبارزه با اسرائیل و صهیونیسم قلمداد میکرد و از سوی دیگر اسلام گرایان سوریه و مخالف با اسرائیل را تحت سبعانه ترین سرکوب ها قرار میداد که این سرکوب ها تا هم اکنون هم ادامه دارد. با درگذشت ناگهانی حافظ اسد در ژوئن سال ۲۰۰۰ پرسش پشار اسد جانشین او و رئیس جمهور سوریه گردید ولی کارنامه حکومت حدواده ساله اوتقاویت چندانی را با حکومت پدرش نشان نمیدهد. باز هم بند بازی درسیاست خارجی و سرکیسه کردن کشورهای منطقه و بهره گیری از سرکوب اختناق در داخل. در حال ۲۰۰۴ در تظاهرات و شورشی که بدنبال یک مسابقه فوتیاب در شهر «قامشلی» روی داد نبروهای سرکوب گر بشار اسد بیش از ۳۰ نفر را کشته و صدها نفر را مجروح کردند و تعداد زیادی رانیز بازداشت و زنانه زندان ها نمودند. در هفته های اخیر و بدنبال جنبش های آزادیخواهانه در کشورهای تونس، مصر، یمن و بحرین در سوریه نیز اعتراضات و قیام های مردمی علیه حکومت حزب بعث و خاندان اسد نمایان شده است. این تحرکات ضد دیکتاتوری و آزادیخواهانه که از شهرهای «درعا»، «دمشق»، «لاذقیه»، «بانياس» و «حاصم» آغاز شد اکنون به سراسر سوریه و حتی به روستاهای سترش یافته است. اعتراضات به حکومت خود کامه سوریه قبل از روزهای جمعه صورت میگرفت و لی به تدریج اعتراضات و تظاهرات ضد دولتی به امری روزانه تبدیل شده است. طی این اعتراضات و تظاهرات آزادیخواهانه ضد دیکتاتوری تا هنگام رقم خوردن این سطور بیش از سیصد نفر کشته و صدها نفر خشمی و هزاران نفر بازداشت شده اند. ظاهرا کنندگان مجسمه های حافظ اسد را سرنگون و عکس های بشار اسد را به آتش میکشند و فریاد «آزادی، آزادی» سر میدهد.

«بان کی مون» دبیر کل سازمان ملل متعدد با محکوم کردن خشونت ها علیه مردم معترض سوریه خواستار انجام تحقیق در مورد قتل های اتفاق افتاده گردیده است. «مارتین نسیر کی» سخنگوی دبیر کل سازمان ملل نیز گفت که باید تحقیقاتی شفاف در مرور این قتل ها صورت بگیرد و اشخاص مسئول این قتل ها باید با پیگرد قانونی مواجه شوند.

نخست وزیر ترکیه میگوید که بشار اسد را نصیحت کرده که هر چه زود تر اصلاحاتی قابل لمس را برای ارام کردن مردم سوریه بعمل آورد. مقامات مهم سیاسی امریکا و کشورهای اروپائی همگی با ماحکوم کردن خشونت و سرکوب در سوریه خواستار رعایت حقوق پسر و تن دادن حکومت سوریه به حقوق سیاسی مردم این کشور شده اند. در این میان دولت بشار اسد ظاهرا اصلاحاتی را آغاز کرده است. اسد دولت «ناجی عطری» را بر کنار «عادل سفر» را مأمور تشکیل دولت جدید نمود. اودستور داد کارزینیوی تازه ای را که در حومه دمشق افتتاح شده بود تعطیل کنند. او دستور داد که کردهای شمال سوریه که فاقد تابعیت سوریه بودند، تابعیت سوری داده شود. اودستور داد تعدادی از کردها را که به جرم برگزاری مراسم نوروز زندانی شده بودند و همچنین تعدادی از زندانیان تظاهرات اخیر را آزاد نمایند. او گفت که از ایدی مطبوعات را میپذیرد. بشار اسد در روز پنجم شنبه اول اردیبهشت ماه احمدیه را لایحه لغو وضعیت فوق العاده را که مردم در خواست معتبر پسند بود امضاء کرد ولی روز بعد یعنی روز جمعه دوم اردیبهشت باز هم تظاهرات اعتراضی صدها هزار غیری مردم ادامه یافت و باز هم حدود یکصد نفر دیگر از مردم توسط نیروهای سرکوب گر حکومت کشته شدند. و این روز بینان جمعه بزرگ یا جمیع خوین نام گرفت. در روز شنبه سوم اردیبهشت در جریان تشییع جنازه کشته شدگان روز جمعه خوین بیان نیز باز هم ۹ نفر دیگر در شهرهای مختلف سوریه کشته و ده هانفر ممنوع شدند. اکنون اینطور به نظر میرسد که دیگر برای انجام این اقدامات اصلاحی و این وعده و ویدهای فریبنده خیلی دیر شده باشد. آتش بعض و نفرت مردم از سرکوب ها و فسادها وار حکومت به ظاهر جمهوری ولی در اصل حکومت مادام عمر و موروشی خاندان اسد و این همه خشونت و کشته راهی اخیر و دروغ گوئی های بعد از آن، آنچنان مشتعل شده که با این اصلاحات سطحی و این وعده ها خاموش شدندی نیست. دیکتاتورهای مثل بشار اسد و علی عبدالله صالح و عمر قذافی و آن خلیفه سرنوشتی غیر از سرنوشت «بن علی» و «مبارک» نخواهد داشت.

امواج بلند اقیانوس متلاطم خیزش های آزادیخواهانه ملت ها در کشورهای خاورمیانه و قیام علیه حکومت های استبدادی و حکام دیکتاتور سرانجام سوریه راهم درهم نور دید. کشوری که سالهای است در آن از آزادیهای سیاسی مثل آزادی احزاب و اجتماعات و آزادی انتخابات خبری نیست و سالهای است که حکومت در اختیار تنها حزب مجاز یعنی حزب بعث است. و در حقیقت به نام «جمهوری» یک حکومت مادام عمر و موروشی با خشونت تمام در این کشور مستقر است. سوریه کشوری است با تمدن و فرهنگ در خشان با بیش از پنج هزار سال تاریخ که در قلب خاورمیانه و تقربا در محل تلاقی سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا قرار گرفته است. و پایاخت آن دمشق که همان شام قبلي است به عنوان نخستین پایاخت جهان شناخته میشود. خاک سوریه بین کشورهای ترکیه، عراق، اردن، اسرائیل و لبنان و بخشی از آن هم در کنار دریای مدیترانه واقع شده است. سوریه ۱۸۵۱۸ کیلومتر مربع مساحت دارد که بخش کوچکی از آن که اهمیت استراتژیک ویژه ای دارد یعنی بلندیهای جولان انسال ۱۹۶۷ تحت اشغال اسرائیل میباشد. سوریه حدود بیست و یک میلیون نفر جمعیت دارد که در حد آستان مسلمان سنی ۱۳، در حد علوی و شیعه ۱۰ درصد مسیحی و ۳ درصد دروزی میباشند. اقتصاد سوریه بر پایه کشاورزی، صنایع، تجارت، توریسم و مقداری هم فروش نفت بنا نهاده شده است. حکومت در طول تاریخ تحولات بسیاری را بست سرگذاشته و چندین بار توسط قدرت های مختلف منطقه دست به دست گشته است. پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی سوریه هم مثل بسیاری از کشورهای خاورمیانه به صورت کشوری پادشاهی از دل امپراطوری تجزیه شده عثمانی بیرون آمد و پس از آن سالها تحت استعماره قیوموت فرانسه قرار داشت. در حال ۱۹۴۶ سوریه استقلال یافته و نظام آن جمهوری شد و در همین سال حزب بعث با ایدئولوژی ناسیونالیسم عربی همراه با سوسیالیسم توسط میشل عفلق و صلاح الدین بیطار بیان گذاری شد. با تأسیس حزب بعث حافظ اسد ۱۶ ساله به این حزب پیوست و پس از ۲۴ سال ۱۹۷۰ به مقام رهبری حزب تکیه زد. سپهبد حافظ اسد رهبر حزب بعث در حال ۱۹۷۱ با یک کودتای نظامی حکومت سوریه را در اختیار گرفت و سپس در انتخاباتی که او تنها نامزد آن بود ۹۹ درصد آراء ریاست جمهوری سوریه را بدست آورد و پس از آن هم با برگزاری چهار بار انتخابات فرمایشی دیگر و هر دفعه با کسب نزدیکی به صدر صد آراء به ریاست جمهوری خود تداوم بخشدید. و بعدها سی سال رئیس جمهور مادام عمر سوریه گردید. حافظ اسد از همان ابتدا با بهره گیری از مقررات وضعیت فوق العاده، با منعیت فعالیت احزاب و برجاری اجتماعات و ممانعت از انتشار مطبوعات آزاد دیکتاتوری سنگین و جامعه ای بسته و مختصق و حاکمیتی شبه استالینیستی را به کشور سوریه تحمیل نمود. از نظر سیاست خارجی، بندبازی سیاسی و جلب حمایت مالی و سیاسی بعضی از کشورهای منطقه به بهانه مبارزه با اسرائیل و همچنین برقراری پیوند قوی با اتحاد جماهیر شوروی سابق را واجهه همت خود قرارداد و از نظر سیاست داخلی اعمال وضعیت فوق العاده و بایمال کردن آزادی های ملت سوریه و سرکوب و حشیانه مخالفان و استفاده از داغ و درخشش را شیوه حکومت خود نمود. او در حال ۱۹۸۲ برای سرکوب اعتراضات و شورش مردم شهر «حماء» با بیماران هوایی و استفاده از آتش تویخانه این شهر را درهم کوبید و پیش از هزار نفر را کشت. این شیوه همان حرکتی است که چند هفته پیش، سر هنگ معمر قذافی در برخی از شهرهای لیبی انجام داد که مردم اعتراف جامعه جهانی و سازمان ملل متعدد قرار گرفت و قطعنامه پرواز ممنوع برای دولت قذافی صادر گردید در حالیکه حافظ اسد بدون اعتراضات جهانی چشم گیر و قطعنامه سازمان ملل، سال ۲۹، قبل همین جنایات را در ابعادی بسیار گسترش ده تر مرتکب شد. او در بخورد بیرحمانه با مخالفان خود در نزدیکی در برخی از شهرهای لیبی انجام داد که مردم اعتراف انجام داد که اورا در رسیدن به قدرت بسیار حمایت کرده بود برای همیشه از خاک سوریه اخراج نمود. او نه تنها آزادی احزاب و اجتماعات و آزادی انتخابات را بدست فراموشی سپرده بود بلکه به مردم سوریه حتی اجازه استفاده از تلفن موبایل رانیز نمیداد. از طرف حافظ اسد حرکات سیاسی متناقض بسیار دیده میشد. او از یک طرف بر طبق اصول اعتقادی حزب بعث طرفدار ناسیونالیسم عربی و نوعی پان عربیس بود و از طرف دیگر دیدم که قبل از ریاست جمهوری خود در سال ۱۹۶۱ همراه با چند نفر افسر سوری کواده ای را ساماندهی کرد که جمهوری متعدد

واقع ایران در سال ۱۳۸۹

هم با تلاشی بیشتر در حذف و یا تغییر رشته های علوم انسانی و علوم اجتماعی گام برداشتند تا حدی که وزیر علوم اعلام کرد: «شقاف و واضح می گوییم شما حق ندارید کسی را به دانشگاه جذب کنید که در مسیر عملی التراجم با ولایت فقیه نباشد.... اگر دانشگاهی باشد که صدای اذان ظهر به بهانه آسیب به کلاسها را درس بلند نشود و اگر در دانشگاهی فرهنگ پسیج مرد تمخر قرار گیرد و اگر..... مردم ایران، دانشجویان واساید آن را بابا خاک یکسان میکنند.» سخنان وزیر علوم گویای وضع دانشگاه های کشور و محیط پادگانی آن میباشد. در مدارس هم سیاست همانست که در دانشگاه ها بود. در سال تحصیلی ۸۹-۹۰ یکهزار روحانی به مدارس سراسر ایران اعزام شدند زیرا که دولت اصول گرا برنامه های اجرایی در مدارس را کافی نمیداند. در وزارت آموزش و پرورش برای روحانیون جوان مسئولیت هایی در پایگاه ها و دارالقرآن ها قائل شدند که آنها وارد شدن افسران جنگ نرم در مدارس اعلام نمودند. این روحانیون را برای پیشگیری از آسیب های اجتماعی و ازان جمله آسیب های بر خطوطی چون جنگ نرم به مدارس روانه کردند. واژه سوی دیگر از چهار هزار مدرس تربیت سیاسی برای دور کردن دانش آموزان از فتنه های دشمن به چهار هزار مدرس در سال ۸۹ خبر دادند که اینان مستقیماً زیر نظر سپاه پاسداران انجام وظیفه می کنند.

با تگاهی که به چند واقعه مهم سال ۸۹ در ایران داشتیم و با این سیاست های نادرست حاکمیت بنظر نمیرسد که سرنوشت چندان امید بخشی در انتظار ایران باشد. از آغاز دولت نهم که در بیرون خود های درون حکومتی، جناح اصول گرا برهمه بخش های حکومتی تسسلط یافت دیده میشود که روند آشفته تر شدن اوضاع که از سال ۸۴ سرعت یافته بود هرچه سریعتر به پایان خود نزدیک میشود.

در سال ۸۹ دولت در آمد شگفت آور و بی مانندی به مبلغ حدود ۴۳۰ میلیارد دلار از فروش نفت و گاز بدست آورد باید توجه داشت که در ۳۲ سال گذشته کل درآمد حاصل از فروش نفت و گاز ۸۷۵ میلیارد دلار بود که نزدیک به نیمی از این مبلغ در سال ۸۹ بعلت افزایش قیمت نفت و گاز در بازارهای جهانی به حساب دولت جمهوری اسلامی واریز شده است.

در سال ۸۹ با توجه به گزارش صندوق جهانی پول نرخ رشد اقتصادی ایران نزدیک به صفر بوده است و هیچگونه تناسبی با درآمد های دولت ندارد. با تمام کوششی که دولت در اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها آغاز کرد و اجرای قانون آنرا در دمایه آخر سال ۸۹ عملی نمود ولی چندین بار شدن هزینه مردم در زمینه انرژی، معترضین فراوانی داشت. دولت ابتدا اعتراض ها تصمیم قاطعی گرفته نشد. دولت در مردم ردمورت تعديل هزینه گاز که در برابر خواسته برابر قیمت قبلی شده است و عده و عیدهای داد ولی بعداً مسئله در سکوت نگاهداشتند و نتوانست وعده خود را به مردم اجرا درآورد. هنوز اثر افزایش قیمت های حامل های انرژی در سبد خانواده ها مشخص نشده ولی در سال ۹۰ تاثیر آن بر اقتصاد خانواده نمایان میشود و مبالغ پرداختی بعنوان یارانه ها به مردم بنظر نمیرسد و بتواند مشکل پیش رو را برای خانواده ها حل کند. بسیاری از صاحب نظران برآنند که در سال ۸۹ اقتصاد ایران زمین گیر شده و نور امیدی برای سال ۹۰ به چشم نمیخورد. سال ارازمانی پایان یافته بیسینیم که اقتصاد ایران در بن بست و در سردرگمی و نابسامانی، حقوق بشر و آزادی های اولیه انسانی پایمال صاجبان قدرت و تحولات گسترده و بی سابقه افریقا و آسیا و جوامع خاورمیانه در کنار جامعه ایران مشهود است. با این نگاه آیا میتوان آینده بهتری برای سال ۹۰ پیش رو داشت؟

در سال ۱۳۸۹، سراسر کشور بویژه شهرهای بزرگ و تهران بشکل کاملاً امنیتی تحت کنترل بودند و نگرانی حاکمیت از اعتراض مردم خشن ترین اشکال امنیتی و نظامی را بر ملت تحمل کرد.

در سال ۱۳۸۹ گفتگو در مردم اثری هسته ای کم رنگ تر بود و مذاکره با گروه کشورهای ۱+۵ به شکست انجامید. در سال ۸۹ سه دوره مذاکره بین ایران و نمایندگان شورای امنیت و آلمان با میانجیگری ترکیه به هیچ نتیجه ای نرسید.

تحريم های شورای امنیت و همچنین تحریم های یک جانبه امریکا و اتحادیه اروپا در سال ۸۹ افزایش یافت.

سالی که گذشت توجه جهانیان به نقض حقوق بشر و یا ایمال شدن حقوق ملت ایران بیش از پیش بود. برابر گزارش غفو بین الملل و سازمان حقوق بشر ایران بالاترین آمار سرانه اعدام را در دهه اخیر جهان دارا بوده است. این سازمان به شدت ابراز نگرانی کرد که در سال ۲۰۱۱ اعدام ها افزایش یابد. آقای بان کی مون دبیر کل سازمان ملل متحدب ارائه گزارشی از وضع حقوق بشر در ایران در شهر ژنو اعلام کرد: «ایران سرکوب مخالفان را شدت بخشید ویر اعدام زندانیان سیاسی و نوجوانان مجرم و همچنین قاچاقچیان مواد مخدور افزوده است» بان کی مون بشدت نگرانی خود را از اجرای احکامی چون شلاق و سنگسار و قطع عضو و همچنین دستگیریها و بازداشت های خود سرانه و بد رفتاری با فعالان اپوزیسیون بیان نمود. او از حکومت ایران خواست به نمایندگان و پیشه حقوق بشر اجازه ورود به ایران را بدهد. چون از سال ۲۰۰۵ تاکنون دولت ایران از صدور اجازه ورود برای این نمایندگان و یزده سازمان ملل متعدد خودداری کرده است. در سی ام آذر ماه ۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه مصوب کمیته سوم مجتمع عمومی را درباره ایران تصویب کرد.

در این قطعنامه به شدت از مجازات های خشونت بار در ایران انتقاد شده بود. این قطعنامه که توسط کنادا به کمیته سوم برده شده بود بارای موافق ۸۰ نفر تصویب شد. ۵۷ کشورهای آن رای ممتنع و ۴۴ کشور رای مخالف دادند و تلاش دولت ارشاد رسماً اعلام کرد مطبوعاتی از تصویب این قطعنامه بجهانی نرسید. مشابه این قطعنامه در سال ۲۰۰۹ با ۷۴ رای تصویب شده بود.

در سال ۱۳۸۹ سانسور رسانه ها شدت بیشتری یافت که میتوان این سال را سانسور ماضعه نام داد.

در بهمن ماه سال ۸۹ راهپیمایی و تظاهرات اعتراض آمیز مردم انجام گرفت و چندی بعد طرفداران دولت هم در یک تظاهرات دولتی حضور یافتند. معنوں فرهنگی وزارت ارشاد رسماً اعلام کرد مطبوعاتی که حتی یک خط در باره راهپیمایی روز ۹ دی (منظور روز تظاهرات طرفداران حاکمیت است) خبری نداده باشند در انتظار حمایت و دریافت یارانه مطبوعات نباشند. در این سخنان آشکارا مشاهده میشود که چگونه با بی پرواژی سانسور رسانه ها اعمال میشود و آنکه در تایید حکومت میتویند از همه کمک های نقدی و غیرنقدی برخوردارند و دیگران تهدید به قطع کمک های میشوند. در سال ۸۹ تعداد زیادی از مراکز انتشاراتی تعطیل شد. کمیته حمایت از روزنامه نگاران جهان ایران را بزرگترین زندان روزنامه نگاران جهان لقب داد. در گزارش گزارشگران بدون مرز در سال ۲۰۱۰ ایران بیشترین تعداد روزنامه نگاران تبعیدی جهان را بخود اختصاص داده است.

دانشگاه ها در سال ۸۹ بالافزایش تعداد دانشجویان مواجه بود و تعداد دانشجویان سیر صعودی خود را طی میکرد و تعداد دانشجویان به سه میلیون و هشتاد هزار نفر افزایش یافت و میازرات آزادی خواهانه دانشجویان در جوسته و امنیتی دانشگاه ها با توجه به امکانات تدامی یافت و مسئولین دانشگاه و وزارت علوم

شده است.

در سال ۱۳۸۹، سراسر کشور بویژه شهرهای بزرگ و تهران بشکل کاملاً امنیتی تحت کنترل بودند و نگرانی حاکمیت از اعتراض مردم خشن ترین اشکال امنیتی و نظامی را بر ملت تحمل کرد. چندین برابر افزایش یافت و آنچه که بخش اساسی غذای روزانه مردم ایران را تشکیل میدان بود که به عنوان یارانه بهنهای به عنوان یارانه پرداخت گردید. در سال ۱۳۸۹ برای آماده کردن مردم در برایان شوک ۳۷۷۷ مبلغ به سراسر کشور اعزم شدند تا مانع اعتراضات مردم نمودند. با وجود این سال ۱۳۸۹ سال افزایش اعتراضات مردم به نمودن آزادیها و بی عدالتی ها بود. در کارخانه های سراسر کشور اعتراضات متعددی صورت گرفت که کارگران به مون حقوق بشر در ایران در شهر ژنو اعلام کرد: «ایران سرکوب مخالفان را شدت بخشید ویر اعدام زندانیان سیاسی و نوجوانان مجرم و همچنین قاچاقچیان مواد مخدور افزوده است» بان کی مون بشدت نگرانی خود را از اجرای احکامی چون شلاق و سنگسار و قطع عضو و همچنین دستگیریها و بازداشت های خود سرانه و بد رفتاری با فعالان اپوزیسیون بیان نمود. او از حکومت ایران خواست به نمایندگان و پیشه حقوق بشر اجازه ورود به ایران را بدهد. چون از سال ۲۰۰۵ تاکنون دولت ایران از صدور اجازه ورود برای این نمایندگان و یزده سازمان ملل متعدد خودداری کرده است. در سی ام آذر ماه ۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه مصوب کمیته سوم مجتمع عمومی را درباره ایران تصویب کرد. در این قطعنامه به شدت از مجازات های خشونت بار در ایران انتقاد شده بود. این قطعنامه که توسط کنادا به کمیته سوم برده شده بود بارای موافق ۸۰ نفر تصویب شد. ۵۷ کشورهای آن رای ممتنع و ۴۴ کشور رای مخالف دادند و تلاش دولت ارشاد رسماً اعلام کرد مطبوعاتی از تصویب این قطعنامه بجهانی نرسید. مشابه این قطعنامه در سال ۲۰۰۹ با ۷۴ رای تصویب شده بود.

در سال ۱۳۸۹ بیکاری به رشد خود ادامه داد و مرکز آمار ایران ۱۴/۶ درصد را برای بیکاری انتشار داد که در محاذل داخلی و خارجی رقمی قابل قبول بنتظر نیامد. چون خانه کارگر که مرکزی دولتی است میزان بیکاری را عدد ۱۷ در صدرا اعلام کرده و آنرا در سرمهیان و در هفته سوم فروردین ماه ۹۰ نماینده نمایندگان در مجلس شورای اسلامی اظهار داشت که نرخ بیکاری را مخفی میکنند و به نظر او نرخ بیکاری اکنون ۱۵/۶ درصد است این در حالیست که از طرف دولت میزان نرخ بیکاری خیلی بیشتر از این ارقام ذکر میشود. میزان نرخ بیکاری اکنون ۱۵ میلیارد دلار از سرانجام مساقط میگشود.

در سال ۱۳۸۹ دولت مدعی قدرت مدیریت بر جهان نتوانست بودجه سال ۹۰ را در مجموع مقرر به مجلس ارائه نماید و این کار با ۷۵ روز تاخیر انجام گرفت و بودجه سال ۹۰ به شکل ۲ دوازدهم یعنی فروردین واردیه شد. این دویجه شد را باملاک های سال ۸۹ بدون تغییر در ۲۳ اسفند به تصویب مجلس رساند که دولت میتواند تا سقف ۱۵ میلیارد دلار از طرف ایجاده دریافت و پرداخت میگیرد و این دویجه شد را با این تغییر در ۱۳۹۰ را داشته باشد. و این نشانی دیگر از ناتوانی دولت در مدیریت و تنظیم برنامه های کشوری بود.

در سال ۸۹ جنگ های ایران در وضع نابسامان تری قرار گرفت به صورتی که برخی کارشناسان محیط زیست، سال ۸۹ را در مجموع مقرر به مجلس ارائه نهادند. در این سال بی توجهی به محیط زیست ایران قطع درختان و آتش سوزی جنگ های ایران نام نهادند. در این سال بی توجهی به محیط زیست ایران ایران را بزرگترین زندان روزنامه نگاران جهان لقب داد. در گزارش گزارشگران بدون مرز در سال ۲۰۱۰ ایران بیشترین تعداد روزنامه نگاران تبعیدی جهان را بخود اختصاص داده است.

نگاهی به موقعیت استراتژیک خليج همیشه فارس

به همین سبب آمریکا که ایران را یکی از مهمترین اعضاء سازمان دفاعی پیمان مرکزی (ستنو) قرار داده بود، موافقنامه های دوجانبه ای نیز با کشورهای عضو پیمان منطقه ای به ا مضاء رسانید که در مورد ایران چنین بود: « دولت ایران مصمم است در برابر تجاوز باشد، در صورتی که به ایران تجاوز شود دولت ایالت متحده آمریکا هرگونه تدبیر شایسته از جمله کاربرد نیروهای مسلح را به موجب توافق مقابل که صورت گرفته برای کمک به دولت ایران بنا به درخواست وی اتخاذ خواهد کرد. »

بنابر همین برداشت بود که هنری کیسینجر در کتاب « سالهای کاخ سفید » نوشت: « ایران به خوبی میتوانست خلاء حاصله از خروج نیروهای انگلستان را از منطقه خليج فارس با ارتش ایران بر کند و در برابر تحريکات عناصر افراطی و رادیکال و عوامل شوروی در منطقه باشد، ایران از ما کمک بلاعوض نظامی نمی خواست و هرینه های مربوط به خرد اسلحه و تجهیز نیروهای نظامی خود را از محل تولید نفت تأمین میکرد و برای آمریکا چه بهتر از این که نه فقط برای تامین منافع حیاتی غرب و خود در خليج فارس کمترین هزینه ای از جیب مالیات دهنگان آمریکایی و ممالک استفاده کننده از نفت نمی پرداخت، بلکه تولیدات کارخانه های اسلحه سازی و سایر لوازم و وسائل تکنولوژی مربوط به آن رانیز به قیمت خوب می فروخت. »

بنابراین کشور ایران نه تنها در پیچه تنظیم خليج فارس و حتی خاورمیانه گردیده بود، بلکه دست آن در بهره برداری کلیه مصالح ژئوپولیتیک ابرقدرت آمریکا به صورت (جاگزین) باز گذارده شده بود و این قدرت با بروز انقلاب و سپس جنگ ایران و عراق به کلی متزلزل شد و جدعاً تعادل و موازن قوا در منطقه به هم ریخته شد.

در این شرایط، حکومت جمهوری اسلامی سر برآورده از هشت سال شدائند زمان جنگ با قبول صلح به دوران نویدبخش ایجاد تعادل، بازسازی کشور و امید دهنده رفاه و آزادی و ثبات و امنیت رسیده بود و با پیش آمد شکفت انگیز فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد که افق های جدیدی در ایجاد روابط منطقی بین دول را مطرح میساخت، بی تردید زمینه مناسبی را فراهم آورده بود که یک دولت میانه رو و بصیر میتوانست با روابط متعارف بین المللی و با در نظر گرفتن اولویت ایجاد مجدد امنیت رها شده آبراه عظیم استراتژیک خليج فارس و توجه به تخفیف نگرانیهای کشورهای ذینفع، ضمن برقراری مذاکرات دیپلماتیک سریع و ضروری نوعی هماهنگی منطقه ای به وجود آورد تا در نتیجه امتیازات از دست رفته کشور مجدد باشد.

ولی با آن شرایط چنان که دیده شد، نویدی متناسب با طرز تلقی نظریه پردازان و روشن بینان کشور ظاهر نگردید و حرکت تاریخی ایران جنگ زده و تلفات دیده همچنان باشد عملی در سیاست داخلی و روش خصمانه با کشورهای دیگر در جهت گیری سیاست خارجی پایر جا ماند که از آن بابت فشارهای نامطلوب سیاسی - اجتماعی و اقتصادی فراوانی را به ملت ایثارگر ایران تحمیل نمود تا جایی که امید اولیه آزادیخواهان و ایران دوستان را به توان دگرگون سازی ضروری داخلی و خارجی به یاس تبدیل کرد و روشن ساخت که خط مشی سیاسی ایران باز تابع واقعیت های تاریخی و جغرافیایی و شرایط مستقر منطقه ای و بین المللی نمیباشد تا کشور را از عدم تعادل داخلی و ازوای جهانی خارج سازد.

در چنین وضعیتی به وضوح بی تفاوتی سیاسی ایران نسبت به احیای سریع حقوق ضایع گشته در خليج فارس به چشم می خورد و خطر سلب آن حقوق در برخوز حوادثی غیرمتربقه احساس میگردد و چنانکه پیش بینی میشد دیری نپایید که نیروهای مسلح غرب به سرکردگی ابرقدرت منحصر و امیدوار نظم نوین جهانی (کشور آمریکا) با تمسک به آزادسازی کشورهای به اصطلاح شرور منطقه، با حضور گسترده در خليج فارس و ساقط نمودن حکام دو کشور افغانستان و عراق و ایجاد پایگاه های متعدد ثابت و متحرک نظامی، امکان اتخاذ هرگونه طرحی را به منظور تامین امنیت منطقه حساس خليج فارس را که از حقوق مسلم کشورهای ساحلی به ویژه ایران میباشد، از آنان سلب کرده است و با ایجاد اختلاف و تعارض بین کشورهای ساحلی علاوه بر تضییع حقوق حقه ای ایران ضمن تحریکاتی پشتیبانی شده، ادعای مشکوک پاره ای از شیخ نشینان ساحلی را نسبت به جزایر مهم ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک متعلق به ایران که تسلط استراتژیک به تنگه هرمز دارد، علم ساخته اند و بدین ترتیب مقدمه مشتملی از یک تهدید بالقوه خارجی آمریکا و منطقه ای وسیله شیخ نشین ها طراحی شده را متوجه امنیت ملی کشورمان نموده اند که این پدیده از معضلات تاریخی زمان حالمان است که هرگونه سهل انگاری، ندانم کاری، سیاست بازی و سازش کاری و خود محوریها در راه احقاق حقوق مسلم و معقولمان از طرف هر فرد، سازمان و اورگانی خیانت علیه به میهن تلقی میگردد و ارائه هر راهکار سنجدید برای بروز رفت از این بحران وظیفه وجودی وطن پرستان و اوقافان بی طرف به امور سیاسی میباشد.

خليج فارس قرنها یکی از شاهراه های مهم ارتباطی و بازار گانی بین شرق و غرب کشورهای همچوar بوده است، پدیده اکتشاف و استخراج و روابط های تولید نفت در قرن اخیر نیز به اهمیت عظیم آن افزوده است به نحوی که مسئله نفت و استخراج و صدور آن تقریباً موضوع اصلی مذاکرات سیاسی زمان میباشد.

بدینهی است که وجود این چنین ذخایر عظیم نفت، خليج فارس را همواره برای بیشتر قدرهای جهانی به عنوان مهمترین منطقه استراتژیکی و حیاتی در آورده و مساله اهمیت این منطقه یعنی خليج فارس، دریای عمان و حتی اقیانوس هند را مورد توجه خاص آنان قرار داده است.

به همین لحاظ تا زمانی که بریتانیای کبیر تسلط بدون معارض در این منطقه و راه یابی نفوذی کانال سوئز را نیز در کنترل مستقیم خود قرار داده بود، امنیت کامل در منطقه زیر سلطه غرب برقرار بود تا آنکه در پایان سال ۱۹۷۱ میلادی، امپراتوری انگلستان به دلایل مربوط به خود قوای مسلط خود را از منطقه بیرون کشید.

هنوز چندی از این عقب روی روزیانی سپری نشده بود که قسمتی از ناوگان روسیه شوروی با توجه به سنت مسکو یعنی پر کردن خلاقدرت غرب در هر منطقه ای از جهان، در سال ۱۹۷۷ میلادی هم‌زمان با ملاقات نخست وزیر شوروی از کشور عراق، از طریق خليج فارس به ساحل آن کشور آمد و در این شرایط منافع استراتژیک گستردۀ آمریکا که پس از جنگ جهانی دوم به صورت قدرت مقتدری درآمده بود در این منطقه دچار تزلزل گردید و با ناوگان مختص خود در دریای عمان نمیتوانست عملاً مانع موثری برای نفوذ علی واقعی نیروی دریایی شوروی در این ناحیه جهانی باشد، و از آن مهمن تر ضعف عمومی کشورهای ساحلی که به حق مبایستی خود امنیت آبهای ساحلی و دخالهای این امنیت باشدند به هیچ وجه اجازه نمیداد کشورهای غول آسای جهانی را تامین کنند.

به همین جهت در آن شرایط آمریکا، پس از احیای اقتصادی کشورهای جنگ زده اروپایی و آسیایی، برقراری گرایش کشور ۳ این به غرب و ایجاد سازمان دفاعی پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) که کلیه کشورهای اروپایی غربی تا کشور ترکیه را در یک اتحاد سیاسی - اقتصادی و نظامی در مقابل اتحاد جماهیر شوروی درآمد.

متوجه خاورمیانه گردید و با در ک اهمیت و موقعیت جغرافیایی این منطقه به موضوع حساس و حیاتی استراتژیکی کشور ایران توجه خاص مبذول داشت و با طرح حای نفوذی هر چه بیشتر به تلاش در برخورد با هم ریخته شد.

این کشور در جهت منافع وسیع خود در منطقه خليج فارس پرداخت و با توجه به عدم امکان اعزام نیروهای مناسب جهت تامین منافع غرب در این منطقه حساس، طرح تقویت ایران به ویژه بنیه نظامی ارتش کشور را به منظور پر کردن خلاقدرت خود در منطقه و با توجه به مقضیات به موقع اجرای نگذارد.

همانهنجی رژیم ایران و آمریکا در مورد تامین امنیت خليج فارس در آن زمان نه تنها یک پیروزی سیاسی آمریکا در خاورمیانه تلقی میگردید، بلکه خواست استراتژیک حاکمیت وقت وابسته به غرب ایران را نیز در منطقه فراهم میساخت و بدین سان دریغ اصلی حراست از امنیت خليج فارس و سواحل جنوبی آن با حمایت علی و بی دریغ غرب به سرکردگی کشورهای متعدد آمریکا در عهد ایران قرار گرفت که برای ایفای چنین نقشی تقویت بنیه اقتصادی کشور و نیرومندی نیروهای مسلح ارتش ایران با دلالهایی بود که با چهار برابر شدن ناگهانی قیمت نفت تامین میگردید و این نقش نه تنها در خليج فارس و دریای عمان بلکه تا قسمتی از اقیانوس هند با هزینه و حضور عملی نیروهای مسلح ارتش ایران به اجرای گذارده شد و دولت ایران به منظور تسلط کامل بر منطقه ابتداحکومت کشور عراق را به بی نیرومند ساختن ارتش خود توسعه اتحاد جماهیر شوروی قصد تسلط به خليج به گفته خود (عربی) را در سر داشت و بر حاکمیت مطلق به روخدانه شط العرب یعنی اروندرود اصار می ورزید با ارائه یک قدرت حساب شده نظامی و تهدید بالقوه، آن کشور را واداشت که صدام حسین معاون ریاست جمهوری و قدرت در الجزیره با امضای قرارداد ۱۹۷۵ میلادی، مجموعه پیشنهادهای ایران از جمله تقسیم شط العرب به عنوان آبراه مرزی دو کشور به نام (اروندرود) را بسیار داد و دولت ایران پس از این موقعيت با تهیه مقدمات ضروری از جمله استقلال تحریمی بحرین سه جزیره استراتژیکی مجاور دهانه (هرمز) به نام های: ابوموسی، تتب بزرگ و کوچک را باز پس گرفت و بنایه دعوت سلطان قابوس برای سرکوب به اصطلاح شورشیان در آن کشور، نیروی متعادلی از ارتش را به منطقه ظفار گسیل داشت و با این تمهد تسلط نظامی ایران، تاسواحل جنوبی خليج فارس نیز گستردۀ گردید و از آن پس چنان که گفته شد کشور ایران به عنوان متحد نیرومند کشورهای غربی و عضو اصلی سازمان دفاعی مرکزی (ستنو) تنها عامل نظم و امنیت منطقه خليج فارس و برقراری سد عظیمی در مقابل تجاوز ابرقدرت و سعت طلب اتحاد جماهیر شوروی به بزرگترین مجموعه منابع نفتی و دستیابی آن کشور به آبهای گرم اقیانوس هند گردید.

اصول اعتقادی جبهه ملی ایران برگرفته از اساسنامه جبهه ملی

اصل اول- حفظ تمامیت ارضی ، استقرار حاکمیت ملی و استقلال سیاسی برخاسته از اراده عمومی ملت ایران در نظام جمهوری مبتنی بر اصول دموکراسی ، حقوق بشر و حاکمیت قانون .

اصل دوم- تاکید بر تامین و حفظ حقوق و آزادی های اساسی مردم ایران به ویژه آزادی احزاب ، انتخابات و مطبوعات و تساوی حقوق زن و مرد و مبارزه با هر گونه تجاوز به حقوق بشر .

اصل سوم- جبهه ملی ایران برای حفظ احترام دین مبین اسلام و همچنین فراهم شدن امکان بهره گیری از تمامی توان ملی و مردمی جامعه ایران بر اصل جدایی دین از حکومت تاکید میکند.

اصل چهارم- استقرار عدالت اجتماعی و بالا بردن سطح رفاه عمومی بر اساس جهان بینی علمی ، رشد تولید و افزایش اشتغال و توزیع عادلانه درآمد ملی .

اصل پنجم- احترام به حقوق شهروندی برابر و اعتقادات دینی و آداب و رسوم و زبانها و گویش های تمامی تیره ها و مردم سرزمین ایران .

اصل ششم- تقویت و پاسداری و گسترش زبان ملی و مشترک فارسی و فرهنگ و هنرهای ملی ایران .

اصل هفتم- اتخاذ سیاست خارجی مستقل ایرانی بر اساس حفظ مصالح و منافع ملی و حفظ تمامیت ارضی کشور و پشتیبانی از اصول و هدفهای منشور ملل متحد و دوستی و احترام متقابل با همه ملت ها و کشورها به ویژه کشورهای منطقه و مبارزه با هرگونه تروریسم فردی و گروهی و دولتی .

اظهار همدردی با ملت ژاپن

جبهه ملی ایران نسبت به حادثه زلزله و سونامی واقع شده در ژاپن ، با ملت بیدار و پیشرو ژاپن اظهار تاسف و همدردی مینماید و شعری از شاعر ملی آقای ادیب برومند رئیس شورای مرکزی جبهه ملی ایران را که در این زمینه سروده شده بنظر همگان میرساند .

زلزله ژاپن

ز آنچه آمد بر سر ژاپن و شد این سان خراب دیده شاید گر بمودی بر چنین سنگین عذاب آه آه از کار بار ملتی عزت نصاب مردمی جان پرور و خود یاور و عالیجناب می فرستد بس بلاهاتا کجا جوید شتاب کاین چنین نادیده و نشنیده هرگز شیخ و شاب کز نهیب وی زمین بیجنده گشت و پر زتاب گر بسالی دم به دم باران فروریزد سحاب چون شود با زلزله همه زهی فصل الخطاب نا بهنگام و بروی آب خلقی چون حباب پایه هاشد همچو گندم زیر سنگ آسیاب نی عجب گر در هواز ترس پر ریزد عقب ا کان بتر باشد که بارد ز آسمان تیر شهاب کز زیانهایش محاسب بر نتابد احتساب چشم زخمی در ترقی خورد ژاپن ناصواب یاری و غم خواری ژاپن پی کسب ثواب گر یکی مضطرب نشاید دیگران بی اضطراب سوی ژاپن می رود بـا دیدگانی پـر ز آب (۱)- سونامی را به آبـتاز ترجمه کـرده اـند

یاد و نام کاظم سکاکی را گرامی میداریم

اول فروردین ماه ۱۳۹۰ کاظم سکاکی پوینده دیرپای راه مصدق بزرگ و عضو پرسابقه سازمان کارمندان جبهه ملی ایران در سن شصت و هشت سالگی چشم از جهان فروبست . کاظم سکاکی از زمان نوجوانی همراه سایر برادران و اعضای خانواده ارجمندش به صفت طرفداران مصدق و جبهه ملی پیوست و تا آخرین روزهای زندگی روی اعتقادات آزادیخواهانه و میهن دوستانه اش پای فشرد . کاظم سکاکی مردی پاک نهاد و فرهیخته و انسانی شرافتمند ، و عضوی صمیمی و استوار برای جبهه ملی ایران بود . یاد و خاطره او را گرامی میداریم و به روان پاکش درود میفرستیم .

کمیته تشکیلات جبهه ملی ایران- استان تهران

فروردین ۱۳۹۰

هموطنان عزیز

با تکثیر و توزیع این نشریه و ارسال آن برای دیگران از هر طریق که امکان آن را دارید ما را یاری دهید .



نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

با پاد

دکتر مهدی آذر و اصغر پارسا
www.jebhemelliiran.org
E-mail: hejmi85@yahoo.com